

آزادی مؤمن مسیحی
و چند اثر کوتاه دیگر

این کتاب ترجمه‌ای است از:

“The Freedom of a Christian”, “Two Kinds of Righteousness”, “A Brief Instruction on What to Look for and Expect in the Gospels”, “Preface to the New Testament 1546”, “A Commentary on ST. Paul’s Epistle to the Galatians (selections)”

سرشناسه: لوتر، مارتین، ۱۴۸۳ - ۱۵۴۶ م.

Luther, Martin

عنوان و نام پدیدآور: آزادی مؤمن مسیحی/ مارتین لوتر؛ ترجمه محمد صبائی.

مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص؛ ۲۱/۵×۱۴ س.م.

شابک: 978-622-642080-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: مسیحیت -- کلام -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: Theology -- Early works to 1800

موضوع: لوتری (مذهب)

موضوع: Lutheran Church

شناسه افزوده: صبائی، محمد، ۱۳۶۶ - ، مترجم

رده‌بندی کنگره: BR۳۳۱

رده‌بندی دیویی: ۲۳۰/۴۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۳۶۷۸۵۳

وضعیت رکورد: فیپا

آزادی مؤمن مسیحی

و چند اثر کوتاه دیگر

مارتین لوتر

ترجمه

محمد صبائی



نشرکردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
telegram.me/kargadanpub
instagram.com/kargadan.pub



مجموعه دین شناخت - ۱

آزادی مؤمن مسیحی و چند اثر کوتاه دیگر

نویسنده: مارتین لوتر

مترجم: محمد صبائی

ویراستار: پریا عباسی

ویراستار فنی: زهرا اسحقزاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۲۰-۸۰-۸

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱	-----	مقدمه مترجم فارسی
۷	-----	آزادی مؤمن مسیحی
۶۱	-----	دو نوع براءت از گناه
		تعلیمی مختصر در باب اینکه باید در اناجیل چه چیزی جست و چه
۷۳	-----	چیزی چشم داشت
۸۱	-----	مقدمه بر عهد جدید
۸۹	-----	(گزیده) تفسیر رساله قديس پولس به گالاتيان

تقدیم به عزیزانم زهره و ابراهیم
به پاس سال‌ها محبت و حمایت بی‌دریغ
- م.ص.

مقدمه مترجم فارسی

هدف از گردآوری و ترجمه نوشته‌های مجموعه حاضر، ارائه‌ی نمای کلی از مسئله مهم نجات و راه رسیدن به آن در الهیات مارتین لوتر است. نجات غایت قصوی و مسئله کانونی دین مسیحی است. عیسی مسیح نیز از برای تحقق همین نجات بود که ظهور کرد؛ یعنی به جهان آمد تا انسان‌ها را از قیدوبند شریعت محکوم‌کننده و مرگ محتوم و قدرت گناه آزاد کند و چونان مخلوقاتی جدید به نجات برساند. عیسی مسیح هم راه رسیدن به نجات است و هم خود این نجات؛ چه مؤمن با ایمان به او در صراط مستقیم نجات گام برمی‌دارد و غایت حیات خویش را در همانندی با او در مرگ و رستاخیزش می‌داند.

باری، حال که در معرفی الهیات لوتر آثاری به زبان فارسی می‌بینیم، شاید بتوان اندک‌اندک با برداشتن گام‌هایی کوچک، نظیر ترجمه کنونی، با آثار خود لوتر مواجه شد. ترجمه حاضر نیز هدف و ادعایی ندارد جز اینکه، چنان‌که گفتیم، خواننده فارسی‌زبان را با یکی از مسائل مهم الهیات لوتر آشنا کند و فتح بابی باشد برای آشنایی و فهم بیشتر این شخصیت مهم و تأثیرگذار.

چهار نوشته نخست را از مأخذ زیر برگزیده‌ایم:

Martin Luther's Basic Theological Writings, Ed. By, Timothy F. Lull, USA, Fortress Press, 1989.

و مأخذ نوشته پنجم نیز این اثر است:

Martin Luther, Selections From His Writings, Ed. by John Dillenberger, USA, Anchor Books, 1961.

وجه‌گزینش این نوشته‌ها آن بود که جملگی، تا حد زیادی، از این مسئله سخن می‌گویند که چگونه می‌توان از قیدوبند شریعت، گناه و مرگ آزاد شد و نجات یافت. خلاصه‌وار می‌توان گفت سخن لوتر در این نوشته‌ها آن است که شریعت، گناه و مرگ زندان‌ها و زنجیرهایی‌اند که ما را از رسیدن به آزادی و نجات بازمی‌دارند. راه خلاصی از آنها ایمان به عیسی مسیح است و راه شناخت عیسی مسیح نیز انجیل است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت نوشته‌های مجموعه حاضر حکایت از مسئله و دغدغه‌ای واحد دارند: چگونه رسیدن به آمرزیدگی و نجات توضیح اینکه لوتر در این نوشته‌ها می‌گوید انسان گرفتار در قیدوبند شریعت، گناه و مرگ ناتوان از آن است که خود را آزاد کند و به نجات برسد. راه حل او چنین است: ایمان به مسیح. چرا ایمان؟ و چرا مسیح؟ تأکید لوتر بر ایمان درحقیقت تأکید بر این است که آدمی در طلب نجات نباید بر خود و داشته‌ها و کرده‌هایش اتکا کند، بلکه باید خاضعانه و با قلبی تزلزل‌ناپذیر ایمان بیاورد؛ یعنی به فعل نجات‌بخش خدا که در مسیح محقق شده اعتماد کند و خود را به آن بسپارد. ایمان موجب می‌شود فرد از خویشتن برون شود و در مسیح و با مسیح زندگی کند. او در ایمان با مسیح متحد می‌شود، چنان‌که داشته‌های خویش را به مسیح می‌دهد و داشته‌های او را از آن خویش می‌کند. مسیح گناه و مرگ مؤمن را از آن خویش می‌کند و برائت و حیات جاودان را به او می‌بخشد. این است قدرت ایمان!

لوتر از آن روی چنین بر ایمان تأکید می‌کند که در مسئله رسیدن به آمرزیدگی و نجات، اولویت و تفوق فعل خدا در مسیح را بر فعل انسان حفظ کند. آمرزیدگی و نجات حاصل سهم‌گذاری انسان و خدا در تعامل آنها نیست. آمرزیدگی و نجات دهش و بخشش خداست و انسان تائب طالب آن را فقط از عیسی مسیح دریافت می‌کند. انسان انسان است و خداست که خداست. خداست که آمرزش و نجات عطا می‌کند، و انسان نباید بتواند برای خود و دیگران خدایی کند.

لوتر ارزش و اهمیت شریعت را انکار نمی‌کند. آنچه از نظر او مردود است از جمله تفاخر، اتکابه‌نفس و طلب‌کاری‌ای است که شریعت در متشرعان ایجاد می‌کند تا به سبب اعمالی که انجام داده‌اند در پیشگاه خدا با اتکا به کارنامه اعمالشان آسوده‌خاطر سر برافرازند و طلب اجر کنند. شریعت و ایمان انسان را به شیوه‌هایی متفاوت بار می‌آورند.

شریعت از انسان متشرعی می‌سازد که در معاملات با خدا سهم خویش را ادا می‌کند و مزد و ثواب به حق خود را می‌طلبد. ایمان اما از انسان مؤمنی می‌سازد که بنای رابطه با خدا را بر توکل و محبت استوار می‌کند و آمرزیدگی و نجات را یکسره به خدا وامی‌گذارد. متشرع طالب اجر است و مؤمن طالب آن که در مسیح یافته آید و با او از گور برآید. متشرع مقهور هراس از جسم، ابلیس و مرگ در محبس احکام شرع پناه می‌گیرد و امان می‌جوید. اما مؤمن از آن روی که جسم خویش را با مسیح مصلوب بر صلیب آویخته و با جسم مسیح در گور مدفون کرده و در رستاخیز مسیح چونان مخلوقی جدید قیام کرده است، از شر و مکر و قهر جسم و ابلیس و مرگ پیروزمندانه برگزیده و به ساحت روح فراز آمده است. او اینک از این سه برکنار نیست، اما چون از آنها آزاد شده، در مواجهه با آنها مقهور و مغلوب نیست، بلکه پیروز است.

آنچه لوتر در نقد و رد شریعت می‌گوید انکار کارایی و تأثیر شریعت در حصول آمرزیدگی و نجات است. انکار این کارایی و تأثیر، تأیید و تأکید بر این اصل اساسی است که انسان نمی‌تواند در معادله و معامله‌ای ساده و معلوم اعمال شرعی انجام دهد و در مقابل مزد طلب کند. آمرزیدگی و نجات اجر و مزد اعمال انسان نیست، لطف و مرحمتی است که بدون در نظر گرفتن اعمال انسان و استحقاق او به او عطا می‌شود؛ که اگر رسیدن به آمرزیدگی و نجات مطابق معادله و معامله انجام عمل در مقابل دریافت اجر باشد، آنگاه، چنان‌که پولس می‌گوید، آمرزیدگی و نجات دیگر لطف نیست و مزد مستحق است و بدین‌سان، فعل محبت‌آمیز و فیض‌بخش خدا بی‌ارج و بلکه انکار شده است.

در باب آمرزیدگی و نجات نکته مهم دیگری هم هست که باید به آن نظر کرد: این خدا بود که گام نخست را برای آمرزیدگی و نجات انسان برداشت و بر هرگونه فعلی، حتی ایمان آوردن و محبت به او، از جانب انسان پیش‌دستی کرد. پولس و یوحنا گواه این سخن را آن می‌دانند که خدا پسر خویش را در زمانی که مؤمن و محب خدا نبودیم به جهان فرستاد تا با مرگ بر صلیب کفاره گناهان ما را بدهد و ما را از گناه بری کند. بدین‌سان، خدا بود که سنگ بنای ایمان را گذاشت و امکان ایمان آوردن ما را فراهم کرد. حال که چنین است، برای طالبان آمرزیدگی و نجات کاری نمی‌ماند جز گشودگی وجودی به روی این اقدام و سپردن راهی که

خدا آن را فرارویشان گذاشت و گشود. و این همان ایمان آوردن است. تکیه بر اعمال شرعی و سنت‌ها و آیین‌های بشرنهاده برای ایجاد راهی به سوی آمرزیدگی و نجات خطاست؛ زیرا فعل فیض‌بخش و رحمت‌آمیز خدا را پس زده‌ایم و برای افعال خویش به کارایی نجات‌بخش قائل شده‌ایم.

اما چرا مسیح؟ برای پاسخ باید دانست مسیح کیست. مسیح در *انجیل متی* ۲۸:۲۰ خود را چنین می‌شناساند: «پسر انسان نیامده است تا او را خدمت گزارند، بلکه آمده است تا خود خدمت گزارد و جان خویش را از برای خیل مردمان فدیہ دهد». مسیح کسی است که از سوی خدای پدر به جهان آمده تا بارگناهان عالم را بر دوش بگیرد و با مرگ بر صلیب عالمیان را از گناهانشان بری کند و با خدا آشتی دهد. تحمل بارگناهان عالم و مردن همچون گناهکار برای نجات عالم، سرشت و سرنوشت مسیح است، مؤلفه وجود و شخصیت اوست. مسیح از آن حیث که مسیح است باید بارگناهان عالم را به دوش خود گیرد و بر صلیب جان بدهد، ورنه مسیح نیست. تحمل رنج و حقارت و درنهایت مرگ بر صلیب همچون گناهکار، ناقض و نافی مقام مسیحایی او نیست، دون شأن او دانسته نمی‌شود، بلکه نشان از وظیفه و خویش‌کاری مسیح دارد، که او آن را تمام و کمال انجام داد. پس باید دانست که مقام مسیحایی غیر از مقام رسالت و نبوت است. حتی مقام کهنات مسیح که در عهد جدید از آن سخن می‌رود، ذیل مقام مسیحایی او قرار می‌گیرد. زیرا چنان‌که در رساله به عبرانیان می‌بینیم، مسیح کاهنی است به کلی متفاوت و برتر از تمام کاهنان، زیرا نه با قربانی‌های معمول و بی‌اثر کاهنان، بلکه با قربانی کردن جسم خویش کفاره گناهان را داد، و افزون بر آن مؤمنان را با جسم و جانی پاک و بری از گناه به مقدس و محضر خدا درآورد. بدین‌سان، کار کهنات براساس خویش‌کاری مسیحایی انجام گرفته است؛ چه مسیح مقدم بر هر کار، وقف نجات‌بخشی شده است.

به نظر لوتر، کسانی که مسیح را بری از گناه و صرفاً الگویی برای تقلید می‌دانند، ما را از شناخت مسیح بازمی‌دارند. او می‌گوید تحمل بار گناه و مشقت مرگ بر صلیب از سوی مسیح، نه مایه سرشکستگی مسیحیان که مایه تسلی و اطمینان خاطر آنهاست؛ چه مؤمنان با این کار مسیح اینک از قید و بند شریعت، گناه و مرگ آزاد شده‌اند. مؤمنان در مرگ مسیح با او می‌میرند و در قیام او از مرگ برمی‌خیزند.

بدین‌سان، وجود قدیم خویش را در گور وامی‌گذارند و چونان مخلوقی جدید برمی‌خیزند. چون با مسیح می‌میرند، برای شریعت می‌میرند و در گور مردگان دفن می‌شوند. چون با مسیح برمی‌خیزند، دیگر شریعت و مرگ را بر آنان قدرتی نیست، زیرا شریعت آزادی و مرگ حیات‌بخش مسیح آنان را به ساحتی فراتر و بالاتر از ساحت شریعت محکوم‌کننده و مرگ محتوم برکشیده است. این همان «پیروزی بر جهان» است که رساله اول یوحنا از آن سخن می‌گوید؛ یعنی زیستن در جهان و از جهان آزاد بودن، مغلوب قوای جهان نبودن.

اما چگونه باید مسیح را شناخت؟ لوتر می‌گوید در *انجیل*. لوتر ابتدا تأکید می‌کند که *انجیل* کتاب احکام و شرایع نیست، بلکه کتاب بشارت است، مژده است؛ بشارت و مژده‌ای از سوی رسولان درباره مسیح، و اینکه او کیست و در حیات، مرگ و رستاخیزش برای ما چه کرده است. رسولان در *انجیل* اسیران گناه و بندیان مرگ و در شکستگان ابلیس را بشارت آزادی، نجات و حیات جاودان داده‌اند. رسولان و انجیل‌نگاران در حقیقت همین بشارت را برای ما موعظه می‌کنند. حال ما چگونه باید این موعظه را بفهمیم؟ با ایمان و در ایمان. لوتر تأکید می‌کند که اگر می‌خواهیم کلام موعظه را بفهمیم و از آن استفاده نجات‌بخش ببریم، باید با «دیده ایمان» به آن بنگریم، زیرا آدمی آنگاه می‌تواند از شنیدن بشارت دل را خوش و جان را تازه کند که در بشارت تجسس و محاسبه نکند، بلکه مهر از گوش بگیرد و در دل بگشاید. کسی که با دیده ایمان به *انجیل* می‌نگرد، در پی آن نیست که به تفصیل بداند مسیح چه اعمالی انجام داد و چه وقایعی را از سر گذراند، زیرا دانستن این امور به او کمکی نمی‌کند تا حقیقت *انجیل* را بفهمد؛ یعنی به او کمک نمی‌کند که معنا، عظمت و حلاوت کاری را درک کند که خدا در مسیح برای او انجام داده است. این درک و فهم آنگاه حاصل می‌شود که کنکاش بی‌طرفانه در وقایع حیات عیسی مسیح را کنار بگذارد و با قلبی گشوده «مسیح خداوند» (*Kyrios Christos*) را پذیرا شود که در کلام موعظه به او معرفی می‌شود؛ همو که از برای او جان داد و با قیام پس از مرگش در سمت راست خدای پدر نشست و به مقام خداوندی بر همه چیز رسید. این «مسیح خداوند» است که در موعظه نزد او حضور می‌یابد؛ موعظه‌ای که به او می‌فهماند مسیح «مسیح او» است؛ یعنی مسیح به‌سوی او آمده تا با یگانگی با او گناه و مرگش را بگیرد و

به او برائت و حیات ببخشد. این‌گونه، مسیح خداوند در موعظه او را به یگانگی «فرامی‌خواند». با ایمان این «فراخوان» اجابت می‌شود و مسیح از آن مؤمن می‌شود و مؤمن هم از آن مسیح. مؤمنی که از آن مسیح است، به تعبیر پولس، «در مسیح می‌زید» و کسی که در مسیح می‌زید «مخلوقی جدید» شده است. این‌گونه است که او مسیح را خواهد شناخت و حیات و ممت و رستاخیزش در و بر او اثر خواهند گذاشت. پس در موعظه است که باید حقیقت مسیح و مسیح حقیقی را یافت و بدان ایمان آورد. لوتر در تأیید نگاه خویش به مسیح‌شناسی یوحنا و پولس استناد می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که این دو در آثارشان مطالب بسیار کمی درباره حیات تاریخی مسیح نگاشته‌اند. سخن لوتر صحیح است؛ برای مثال در مورد پولس می‌بینیم که او نه از پی‌آگاهی از چندوچون وقایع زندگی عیسی مسیح، بلکه از پی مواجهه با «مسیح از گور برخاسته» ایمان آورد و بیشتر هم از اهمیت و کارکرد مرگ و رستاخیز مسیح خداوند سخن می‌گفت تا از وقایع پیش از مرگ او.

لوتر زمانه‌ای را ندید که مسئله «عیسای تاریخی» چونان معضلی الاهیاتی بنیان‌های ایمان مسیحی را به لرزه درآورد، اما بی‌گمان می‌توان رد و نشان این قبیل اندیشه‌های او را نزد الاهیات‌دان‌هایی، همچون رودلف بولتمان، دید که با طرح دوگانه عیسای تاریخ و مسیح ایمان به مسئله پیش‌گفته پاسخ داده‌اند.

در پایان باید خاطر نشان کرد که ترجمه حاضر هرگز قصد تأیید آرای لوتر یا ترویج مسیحیت را ندارد. لوتر با وجود تمام کاستی‌ها و خطاهایی که در اندیشه و عمل داشت، در تاریخ تفکر مسیحی اندیشمندی اثرگذار است؛ بدین سبب مخالفانش نیز باید او را بشناسند. نظراتی که لوتر در این نوشته‌ها و در سایر آثار خویش در باب موضوعاتی چون نقش و کارکرد شریعت و مقام و دستگاه پاپی بیان کرده، گاه آمیخته به تندروی است. شماری از آرای لوتر در زمان خود او حتی میان پروتستان‌ها نیز مقبول نبود و در دوران حاضر نیز نامقبول‌اند. کلیسای کاتولیک نظرات لوتر و بلکه، به‌طور کلی، عقاید مذهب پروتستان را بدعت‌آمیز، عامل انشعاب در دین و از بین برنده وحدت کلیسای مسیحی دانسته و در چندین شورا به آنها واکنش جدی و رسمی نشان داده است.